

# درباره آکتور؛ سریالی با بازی‌های پیچیده

پخش یکی از موردانتظارترین سریال‌های شبکه‌ی نمایش خانگی آغاز شده است: آکتور، به نویسندگی و کارگردانی نیما جاویدی، با داستانی جالب و بازیگرانی توانمند.

گروه فرهنگ و هنر - نیما جاویدی پس از تجربه ساخت دو فیلم بلند سینمایی، ملیون (۱۳۹۲) و سرخ‌پوست (۱۳۹۷) و همکاری در نگارش فیلم‌نامه‌ی خورشید (۱۳۹۸)، به همراه مجید مجیدی و موفقیت‌هایی که از پس هر سه این تجربه‌ها به دست آورد، حالا با شریفی‌نیا اشاره کرد. داستان آکتور درباره‌ی دو بازیگر خردپسای تئاتر است. دو بازیگری که هنوز کارشان خیلی نگرفته است و با نقش بازی کردن در مراسم‌ها یا اجراهای کوچک، پول درمی‌آورند و روزگار را می‌گذرانند. آن دو داخل یک تماشاخانه‌ی قدیمی زندگی می‌کنند.

چیزی که می‌توان در تمامی سکانس‌ها از منظر نوع روایت رصد کرد استفاده از عنصر «غافل‌گیری» یا چرخشی است که در اتفاق‌ها رخ می‌دهد. جدا از سکانس اول که در بار می‌آید بحث شد، در سکانس بعدی (عطر فر و ششی) ابتدا شاهد تحویل کادو به سارا و آشتی کردن او و مرتضا هستیم. اما آن‌چه در ادامه اتفاق می‌افتد این است که آقای صمدی (برق‌نورد) هم از سارا خوشش می‌آید و به او پیشنهاد بیرون رفتن داده است.

تازمترین ساخته‌اش مهمان خانه‌های مخاطبان است. سریال آکتور که عوامل به‌نام و چهره‌ای را نیز در فهرست عوامل خود دارد، به‌صورت هم‌زمان پنج‌شنبه صبح‌ها از طریق نماوا و فیلمو پخش می‌شود. پس از تجربه‌ی موفق همکاری جاویدی با نوید محمدزاده در سرخ‌پوست، حالا این دو دین هم‌کاری این دو هنرمند است. محمدزاده یکی از نقش اصلی سریال را بر عهده دارد و شریک بازیگری احمد مهرانفر محسوب می‌شود. از دیگر بازیگرهایی که در این سریال به ایفای نقش در نزدیکی‌های دریاچه‌ی نمک قم، می‌پردازند می‌توان به هومن برق‌نورد، سُهانیستی، هستی مهدوی‌فر، هانیه توسلی، گلاره عباسی و مهراره

## گروه فرهنگ و هنر - پد جهان

می‌تواند جای بهتری باشد. در میان آثار جشنواره امسال چنین نمونه‌هایی را شاهد بودیم. وی خطاب به فیلمسازان جوانی که امروز در ابتدای راه فیلمسازی قرار دارند هم گفت: توصیه‌ام به این فیلمسازان جوان این است که خیلی برای ساخت فیلم بلند عجله نکنند. درست است که ساخت فیلم ۱۰۰



که قرار است از او خواستگاری شود معنای خاصی دارد. این گونه، جاویدی آکتور را می‌آغازد. با سکانسی که علاوه بر روایت خردده‌استانی جذاب و غافل‌گیرکننده، همراه‌انث و تعلیقی که توامان وجود دارد و مخاطب را درگیر می‌کند، کاراکترهای اصلی را نیز به مخاطب معرفی می‌کند. دو بازیگر که با اجرای چنین نقش‌ها و نمایش‌های مناسبی و کوچکی، امرارمعاش می‌کنند. جزئیاتی نیز وجود دارد که بر شخصیت‌پردازی آن دو تأکید می‌کند. خشونت نمایشی که مرتضا (مهرانفر) در ایفای نقش‌شان آن را به اجرا درمی‌آورد، و نیز رقصی که در انتهای اجرا با مسافرها می‌کند، نمایشی از نوع شخصیت او نیز است. کسی که احساسات عریان‌تر و بیرون‌گرایانه‌تری دارد. این مسئله را در سکانس تحویل دادن موبایل به سارا (نیستی) نیز می‌بینیم. جایی که مرتضا می‌گوید گاهی قاطی می‌کند و رفتار تندی از سر بروز می‌یابد. در مقابل علی (محمدزاده) است که بیشتر سکوت می‌کند و فقط در جاهای لازم به حرف می‌آید. ضمن اینکه به‌منظر می‌رسد آدم اخلاق‌مصداری نیز است. توصیه‌ای که در پایان اجرا به پسر می‌کند و شکلک‌هایی که بعدتر برای دختر بچه‌ی داخل ماشین درمی‌آورد تا دست از گریه کردن بکشد و بخندد مؤید این نکته‌اند. خود این شکلک‌ها در آوردن‌ها هم حائز اهمیت است. سکانسی که یک‌جورهایی لایبی محسوب می‌شود سر می‌رسند و همه از از خودروها پیاده می‌کنند. با رفتارهایی که ترس را در دل مسافرها می‌اندازد، در واقع دارند میزانشن را برای لحظه‌ای مهم آماده می‌کنند. همه را بین دو خودرو جمع می‌کنند، به پسر نگران می‌گویند زانو بز و ناگهان موسیقی‌ای را پخش می‌کنند که قاعدتن برای پسر و دختری

کارکردهای مختلفی دارد. دو خودرو در کنار جاده توقف کرده‌اند تا لاستیک یکی‌شان تعویض شود. مسافرها در همین حسین خوش‌گذرانی می‌کنند، اما یکی از آن‌ها نگران خفت‌گیرهایی است که شاید از راه برسد و برای‌شان مزاحمت بیافریند. همین‌طور هم می‌شود. دو نفر سوار بر موتور می‌رسند و همه از از خودروها پیاده می‌کنند. با رفتارهایی که ترس را در دل مسافرها می‌اندازد، در واقع دارند میزانشن را برای لحظه‌ای مهم آماده می‌کنند. همه را بین دو خودرو جمع می‌کنند، به پسر نگران می‌گویند زانو بز و ناگهان موسیقی‌ای را پخش می‌کنند که قاعدتن برای پسر و دختری

از عرصه توانید نوری بر یک حقیقت بتابانید، همه چیز روشن می‌شود. باید فکر کنیم، بخوانیم و ببینیم و با تأمل سراغ فیلمسازی حرفه‌ای برویم. اندیشه و پژوهش بسیار مهم است. سینما اصلا کار آسانی نیست. فیلمسازی کار بسیار سختی است و نیاز به عشق دارد. وی افزود: برای ساخت یک فیلم باید با تمام توان وارد میدان شوید و نباید خسته شوید. عاشق بودن و احساس

تضاد کامل با موقعیت پیشین‌شان است. این تکنیکی است که جاویدی در همه‌ی سکانس‌ها پیاده کرده است تا جذابیت روایی را برای مخاطب حفظ کرده یا بالاتر ببرد. اجرای قسمت اول نیز راضی‌کننده است. هم بازیگرها در نقش‌های خود موفق ظاهر می‌شوند - البته محمدزاده بهتر از مهرانفر است - و هم کارگردانی و تصویربرداری و تدوین در سطح مطلوبی قرار دارند - فقط شاید بتوان گفت که کاش از بازیگر مشغول‌ترین از روی یک نمایش‌نامه برای اجرا بیاورند و در ظاهر همه چیز خوب و آرام به‌نظر می‌رسد، ناگهان سروکله‌ی شریفی پیدا می‌شود این دو بازیگر پیش می‌آید. بعدتر، در سکانس دزدی از عطر فروش دوباره با این تغییر وضعیت مواجه‌ایم. درحالی که به‌ظاهر همه چیز دارد خوب پیش می‌رود و نقشه در دست و دقیق اجرا شده است، ناگهان ماجرای دوربین مداربسته پیش می‌آید و دوباره شخصیت‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که در

به‌عنوان تدوین‌گر در ساخته‌های آیدا پناهنده (تی‌تی) و ارسلان امیری (زالاوا) دیده بودیم. در پلاتی از سکانس تمرین در تماشاخانه نیز نمایش‌نامه‌ای را می‌بینیم به‌اسم آکتور که براساس نمایش‌نامه‌ی بازرس اثر آنتونی شسیفر نوشته شده است. شفیق (درگذشته‌ی ۲۰۰۱) نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس انگلیسی بود و نمایش‌نامه‌ی بازرس را در سال ۱۹۷۰ نگاشت. نمایش‌نامه‌ای که بعدها دست‌ماهی سه اقتباس سینمایی نیز شد. داستان این نمایش‌نامه نیز همان چیزی است که علی و مرتضا در تماشاخانه تمرین می‌کنند. یک نویسنده‌ی داستان‌های جنایی و معما‌ی با معشوق تازه‌ی همسرش ملاقاتی را ترتیب می‌دهد

بهترین تدوین از جشنواره‌ی فیلم فجر شد. تدوین را نیز عماد خدابخش انجام داده است که پیش‌تر از این ماجرای دوربین مداربسته پیش می‌آید و دوباره شخصیت‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که در

تا با او صحبت کند و در نهایت به او پیشنهاد دهد که قبل از ازدواج به همسرش، جواهرات او را بزدد. چیزی که معشوق را وارد بازی‌های پیچیده و عجیبی می‌کند. در صورت کلان، آکتور نیز تا اندازه‌ای ملهم از همین ایده است. تلاش دو بازیگر برای درآوردن پول، آن هم در شرایطی که صاحب ملک می‌خواهد آن‌ها را بیرون بیندازد، پای آن‌ها را به ماجراهای بازی‌های تازه‌ای باز می‌کند. سکانس پایانی قسمت اول، ورود علی و مرتضا به ویلا‌ی بزرگ و مجلل در لوسان برای بازی کردن نقشی تازه، احتمالاً یکی از این بازی‌هاست.

باید منتظر ماند و دید که جاویدی چه آثاری برای مان پخته است. هر چند که شخصیت فیلم‌های قبلی جاویدی را دوست ندارم و آن‌ها را فیلم‌های خوبی نمی‌دانم - به‌دلیلایی که به فیلم‌نامه برمی‌گردد و فیلم‌نامه خورشید را هم چندان ندانم - اما نیافتم، اما منتظر قسمت‌های بعدی آکتور می‌مانم. با این امید که این بار او تواند از پس موقعیت‌های جذابی که خلق می‌کند به‌خوبی برآید.



## نتفلیکس دستور ساخت اولین سریال رابرت دنیرو را داد

همین دلایل قبول حضورم در ترکیب هیأت داوران این جشنواره یک انتخاب کاملاً آگاهانه برایم بود. می‌خواستم نسل جوان را بهتر بشناسم. هم در سطح جهانی و هم در سطح فیلمسازان جوان خودمان. امروز هم بسیار خوشحالم که در این ترکیب حضور داشته‌ام. امیدوارم فرصت داشتن و تصویر کردن «اندیشه آزادی» همواره برای مان وجود داشته باشد.

رضایت در دل فیلمساز بسیار مهم است. قبل از هر چیز دیگری فیلمساز باید کار خودش را می‌کند و احساس کند به آنچه می‌خواسته رسیده است این نکته بسیار مهم است. درخشندگی در ساره حضور در ترکیب هیأت داوران جشنواره فیلم «۱۰۰» هم گفت: این مهم است که بالاخره گروه‌ی آرزویی دارند و می‌خواهند درباره آن حرف بزنند. حالا

عده‌ای این حرف را می‌خواهند در ۱۰۰ ثانیه بگویند و برایم مهم بود که بدانم این افراد چه می‌خواهند بگویند. می‌خواستم بدانم امروز بحث روز در دنیا چیست و این فیلمسازان جوان چه می‌خواهند بگویند. در هر برهه‌ای به‌واسطه اتفاقات مختلف رویکرد فیلمسازان تغییر می‌کند و برایم مهم بود که الان در جهان فیلمسازان به‌دنبال چه هستند و چه می‌خواهند بگویند، به

# جشنواره خیریه در دبستان پسرانه الغدیر کیش

عکس: بهنام خرم‌دل



## روزنامه اقتصاد کیش

تماس: ۰۷۶ ۴۴۲۲۴۹۹۹ | مدیرت: ۰۹۱۲۷۶۹۲۰۵۷ | واتساپ: ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴ | اینستاگرام: @eghtesadkish | تلگرام: ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴